

## مبارزات کارگران رزمنده هفت تپه و چند مساله تاکتیکی

یوسف آبخون

بیست هفتم خرداد هشتاد و هفت

با مبارزات قهرمانانه کنونی کارگران نیشکر هفت تپه، جنبش کارگری ما وارد مرحله جدیدی شده است. آنها اولاً- با ارایه نمونه موفقی از چگونگی سازمان دهی اولین اتحادیه رزمنده کارخانه ای در بطن یک مبارزه طولانی کارگری و ثانیاً- با جلب حمایت مردم زحمت کش، از طریق سازماندهی حمایت توده ای شهری برای وسعت دادن به مبارزه شان، راه مقابله موثر با سیاست ها نئو لیبرالی رژیم اسلامی را به همه کارگران ایران نشان می دهند.

سیاست خصوصی سازی کارخانه های دولتی و به تعطیلی کشاندن بسیاری از آن ها و نیز بیکار سازی های وسیع، سیاست اصلی رژیم در شرایط کنونی است. بنابراین، مقابله با این سیاست، خواه نا خواه، یکی از مبرم ترین مسائل جنبش کارگری ما در شرائط کنونی است.

سران رژیم اسلامی با نادیده گرفتن خواست ها و نیازهای کارگران، به تاکتیک جنگ فرسایشی روی آورده اند تا بلکه بتوانند سازمان یافته ترین، توده ای ترین و طولانی ترین مبارزه کارگری در چند سال اخیر را که حالا وارد چهارمین هفته خود شده است، درهم بشکنند. این تاکتیکی است که سران رژیم اسلامی در دو دهه گذشته، از دولت رفسجانی و خاتمی گرفته تا دولت منحوس احمدی نژاد در جهت پیش برد سیاست خصوصی کردن صنایع دولتی و رها شدن از بار مسئولیتی که در برابر تامین اشتغال کارگران دارند در پیش گرفته اند. توجیه همه آنها این بوده که سرنوشت کارخانه های ضررده باید با توان رقابتی شان در به اصطلاح بازار آزاد تعیین شود. اما چه کسی است که نداند که ورشکستگی مجتمع تولیدی کشت و صنعت هفت تپه با چهار کارخانه مرتبط با آن که در مجموع بیست هزار کارگر را شامل می شوند، مستقیماً از عملکرد تجارت انحصاری سران دست اول رژیم و به ویژه مافیای شکر ناشی شده است. چه کسی از تاجران و سرمایه داران محترم! جز ارادل و اوپاش وابسته به رژیم در بازار به اصطلاح آزاد، این قدرت و جسارت را دارد که با نیاز کشور به تنها ششصد هزار تن شکر، در مدتی کوتاه سه میلیون تن شکر وارد کند؟ چنین کاری فقط از کسانی بر می آید که پشت شان به کوه اُخُد قدرت انحصاری رژیم جهانی اسلامی و دلارهای نفتی و ثروت های با آورده ناشی از این قدرت الهی! گرم باشد.

معلوم است که کارگران در برابر این اقدامات تبهکارانه که به بیکاری و گرسنگی ده ها هزار نفر از مردم این منطقه منجر خواهد شد، نمی توانند ساکت بنشینند. کارگران رزمنده هفت تپه، با آگاهی به توطئه های سران رژیم و با تکیه بر تجربه مبارزات دو سال اخیر خود و با سازماندهی موفقیت آمیز ۱۱ اعتصاب در این مدت توانسته اند مبارزه قدرتمند و قهرمانانه ای را سازمان داه و به سر مشق و امیدی برای کل جنبش کارگری ایران تبدیل شوند.

این اعتصاب با وجود تلاش خبیثانه مقامات رژیم و رسانه های دولتی و شبه دولتی برای مسکوت نگاه داشتن و محدود کردن آن در حد مساله ای محلی، تاکنون قادر شده است توجه و حمایت وسیع کارگران و مردم منطقه را جلب کند.

کارگران بسیاری در سراسر ایران با نگرانی اخبار آن را دنبال می کنند و هم چنین در سطح بین المللی نیز توجه بخش قابل ملاحظه ای از تشکل های کارگری را به خود جلب کرده است. رویارویی قهرمانانه کارگران نیشکر هفت تپه در برابر سیاست های رژیم اسلامی رویارویی تمامی کارگرانی است که در سطح کشور و در بخش های مختلف اقتصاد به سرنوشت مشابهی گرفتارند. از این رو، پیروزی وشکست این کارگران و درس های این مبارزه نیز برای همه آن کارگران بسیار مهم خواهد بود. این که آیا کارگران هفت تپه این بار نیز خواهند توانست با مقاومت در برابر سرکوب رژیم و خنثی کردن توطئه های آن، خواست های خود را تامین کرده و مانع تعطیلی این واحد بزرگ صنعتی بشوند یا نه، به وحدت وانسجام خود آنها و جلب هم بستگی کارگران سایر کارخانه ها و مردم منطقه وسراسر ایران از این مبارزه بستگی دارد. ولی سرانجام این مبارزه هر چه باشد، کارگران هفت تپه تا همین جا توانسته اند با گشودن راه های موثر مبارزه در برابر سیاست های سران رژیم و خنثی کردن تاکتیکهای جنگ فرسایشی آن ها، به پیروزی بزرگی دست یابند. البته کسی انتظار ندارد که کارگران نیشکر هفت تپه به تنهایی بتوانند به سیاست های ضد انسانی رژیم اسلامی، که به فقر وفلاکت عمومی و بلای ملی تبدیل شده، نقطه پایانی بگذارند. چنین هدفی فقط با مبارزه سراسری و عمومی کارگران و زحمتکشان همه کشور قابل وصول است. اما این بدان معنی نیست که کارگران هفت تپه، همان طور که تجربه مبارزات دو سال اخیر آن ها نشان داده، نتوانند خواست های خود را در سطح همین مجتمع به رژیم تحمیل کرده و مانع از تعطیلی کارخانه و بیکاری و گرسنگی خود بشوند. پیش برد هر سیاستی و از جمله سیاست های رژیم اسلامی، به ویژه با حساسیتی که در حال حاضر نسبت به آن ها وجود دارد و به ویژه در رابطه با حساسیت منطقه، به مقاومت در برابر آن ها بستگی دارد. تجربه مبارزات چند سال اخیر کارگران ما نشان می دهد که هر جا مقاومت های سازمان یافته و وسیعی وجود داشته سران رژیم ناگزیر به عقب نشینی شده اند.

### **اولین اتحادیه کارگری در یک کارخانه**

احیای سندیکای نیشکر هفت تپه که سابقه آن به سال ۱۳۵۲ برمی گردد، پس از سازماندهی سندیکای شرکت واحد تهران، اولین نمونه سازمان دهی اتحادیه رزمنده و مستقل کارگری در بطن یک مبارزه توده ای و طولانی کارگری است. این اتحادیه با درک ضرورت مقاومت سازمان یافته و رزمنده کارگران در برابر سرنوشت شومی که در انتظار آن ها است پا گرفته است. حقیقت این است که اتحادیه های کارگری در همه جا در واکنش نسبت به نا امنی حاصل از شرائط نابسامان اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته اند. شرائطی که کارگران را به وحدت برای مقابله با آن می کشاند و نیروی میلیونی آن ها را به ناگزیر به سازمان های مقاومت کارگری می رساند. سازمانی که حالا ضرورت آن از نان شب هم برای کارگران واجب تر شده است. چرا که دفاع از نان شب شان بدون سازمانی که بتواند اتحاد کارگران را در برابر تهاجم سرمایه داران و رژیم اسلامی برای تحمیل بیکاری و گرسنگی را متحقق کند، ممکن نمی بینند.

ضرورت چنین سازمانی سال هاست که به نیاز مبرم جنبش کارگری ما و به دستور مبارزه آن ها تبدیل شده است. سازمانی برای دفاع از مطالباتی که حالا به آخرین سنگر دفاع از حق زندگی شرافتمندانه و انسانی برای کارگران و به ویژه کارگران صنایع و مجتمع های بزرگ صنعتی تبدیل شده است. آخرین سنگری که عقب نشینی از آن برای کارگران پرتاب شدن به دره بی انتهائی از بیکاری و گرسنگی و تباهی است که هیچ چشم انداز امیدوارکننده برای رهائی از آن وجود ندارد. درحالی که بحران اقتصادی و تورم لجام گسیخته بیداد می کند و کار به جایی رسیده است که

با رکود کامل تولید و تعطیلی پی در پی کارخانه ها امید به اشتغال و امنیت شغلی و حتی پرداخت دست مزد برای آن ها که حتی شانس کاری نیز دارند، بی معنا شده است.

معلوم است که چنین شرائطی به معنی مبارزه علیه موجودیت رژیم نیز هست که از جانب کارگران به عنوان مسئول مستقیم ایجاد آن شناخته می شود. همین شرائط است که حساسیت فوق العاده سران رژیم در برابر هر حرکت کارگری بزرگ و از جمله حرکت کارگران نیشکر هفت تپه را، علی رغم ظاهر بی اعتنائی که به خود گرفته اند، بر می انگیزد. ظاهر بی اعتنائی که در عین حال نشان دهنده ضربه پذیری رژیم در برابر کارگرانی است که در آستانه نابودی کامل قرار گرفته اند و وعده های توخالی که به آن ها داده اند به جایی نرسیده است. در این شرائط، مبارزه کارگران برای حق حیات شان به موجودیت رژیم جهنمی فقر و فلاکت عمومی گره می خورد و دور از انتظار نیست که هر حرکت بزرگ آن ها به شورش عمومی مردم گرسنه و بیکار، همان طور که در هفته گذشته در شوش و چند ماه گذشته در حرکت کارگران البرز شاهد بودیم، منجر شود. عاملی که باعث می شود تا سران رژیم نتوانند در برابر افکار عمومی آگاه مردم به جان آمده از گرانی و تورم فلاکت بار، مبارزه به حق کارگران را به توطئه امپریالیستی و یا گروه های توطئه گر برانداز منتسب نموده و با اعدام آن ها به بهانه های واهی، فضای رعب و وحشت ایجاد کنند.

اولین سازمان اتحادیه ای رزمنده کارخانه ای در کشور ما، در چنین شرائطی است که می تواند موجودیتش را، هر چند هنوز نه کامل، به سران رژیم اسلامی تحمیل کند. رهبران این جنبش نوین را همان توده های گرسنه کارگرانی تشکیل می دهند که به گفته یک گزارشگر کارگری با کفش های پاره به دادگاه برده می شوند ولی قاضی کودن رژیم علی رغم آن که شعار گرسنگی کارگران معترض را توطئه ای علیه امنیت رژیم قلمداد می کند ولی جرات نمی کند محکومیت کارگران را به دلائل واهی صادر کند. این رهبران عملی کارگری ممکن چیزی از سیاست و اقتصاد و ضرورت انقلاب و سوسیالیسم ندانند و حتی نسبت به نظام سرمایه متوهم باشند ولی می توانند توده کارگران را در دستیابی به خواست هایشان و در وفا داری به آن ها، به حرکت در بیاورند. رهبرانی که هیچ چیزی آن ها را، جز آگاهی شان به ضرورت مبارزه متحد کارگری و وفاداری به منافع کارگران، و نه لزوما آگاهی به ضرورت انقلاب و سوسیالیسم و یا انحرافات چپ و راست آن، از توده کارگران جدا نمی کند.

واقعیت این است که اولین سازمان اتحادیه ای کارخانه ای در نیشکر هفت تپه، در پی بن بست مبارزات چند سال اخیر از کارگران کشور ما شکل می گیرد که علی رغم فراتر رفتن از سطح کارخانه های منفرد و از مبارزات معمول کارگری و حتی اعتصاب ها و تحصن های طولانی و راه بندان و تظاهرات در برابر نهادهای رژیم نتوانسته است خواست کارگران برای تامین اشتغال و پرداخت حتی حداقل دست مزد ها را تامین کند. همان طور که اشاره شد این خواست ها در شرائطی قابل تامین هستند که کارگران بتوانند با بسیج سراسری خود تهاجم رژیم به حقوق خود را عقب نشاندند و رژیم را در وضعیتی قرار دهند که تاراج ثروت های ملی با عنوان سیاست تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی و به عبارتی خودمانی سازی صنایع دولتی توسط اراندل و اوباش حکومتی را به ضرر موجودیت رژیم خود ببینند. چراکه بازسازی و راه اندازی این صنایع با راه کارهایی در سطح عمومی امکان پذیر است. معلوم است که هیچ رژیمی و از جمله سران رژیم اسلامی تا زمانی که چنین فشار و یا خطری را احساس نکنند از تاراج ثروت های ملی و باد آورده ای که حالا با درآمد های افسانه ای نفت در این دو سال سر به آسمان می زند، نخواهند گذشت. و همینطور معلوم

است که تامین چنین شرائطی برای بر هم زدن تعادل موجود بدون گسترش مبارزات روزمره کارگری و سازمانیابی آن ها از سطح کارخانه های منفرد و تا سطح منطقه ای و یا رشته ای و سراسری امکان ناپذیر است. راهی که حالا با سازماندهی هوشیارانه و قهرمانانه کارگران نیشکر هفت تپه و با سازماندهی اولین اتحادیه و با سندیکای رزمنده توده ای کارگری آغاز شده است و بی تردید تا تامین سازمان سراسری کارگران ایران با همه پیچیدگی ها و دشواری هائی که دارد و پیش گوئی آن ها از حالا ممکن نیست، به پیش خواهد رفت. شرائط سازمان یابی سراسری کارگران ایران با وجود زمینه های مناسبی از درک اهمیت و ضرورت سازمانیابی اتحادیه ای در میان فعالین کارگری و غلبه بر گنج سری ها و کارشکنی های برخی از روشنفکران به اصطلاح سوسیالیست و هم چنین جنبش حمایتی کارگران بخش های مختلف از همدیگر، که به طور امیدوار کننده ای در مبارزه کنونی کارگران هفت تپه شاهد هستیم و هر چه می گذرد بر دامنه آن افزوده می شود، فراهم شده است.

## **جلب حمایت زحمتکشان شهری**

### **الف، تحولات ساختاری!**

جلب حمایت مردم زحمت کش محلات برای سازماندهی مبارزه توده ای شهری برای وسعت دادن به یک مبارزه کارگری، در واقع دومین محور مهم از تاکتیک های هوشیارانه کارگران رزمنده هفت تپه برای عقب نشانیدن تهاجم رژیم برای بلعیدن این مجتمع بزرگ صنعتی توسط اوباشان سرمایه دارونوکیسه هائی از روحانیون و پاسداران حاکم است. اوباش هائی که ارتجاعی ترین روش ها سرکوب و عقب مانده ترین شیوه های استثمار کارگران ومدرن ترین راه های تاراج نئولیبرالی را به هم بهم پیوند داده اند. و با این پیوند، جهنمی را به وجود آورده اند که نه تنها کارگران بلکه اکثریت مردم را به فقر فلاکت و تباهی کشانده است.

این یک واقعیت تاریخی است که مبارزات متشکل کارگران در جریان گسترش خود با مبارزات توده های تهیدست شهری و روستائی و همچنین سایر جنبش های اجتماعی پیوند خورده و به نیروی هر چه موثرتری در پیکارهای طبقاتی فرا بریود. ما در این زمینه بویژه در دو دهه آخر قرن بیستم در برزیل، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، فیلیپین و... نمونه های بسیار درخشانی از این نوع اتحادهای مبارزاتی را شاهد بودیم. استبداد حاکم، استثمار عریان و بی رحمانه و تبعیض های گوناگون علیه مردم تهیدست و زحمتکش زمینه این اتحادهای مبارزاتی را به وجود می آورد.

اما سیاست های نئولیبرالی در همه جای جهان و بیش تر از هم در کشورهای حاشیه ای سرمایه داری و به ویژه در بخش های صنعتی تر آن و در رابطه با مبارزات کارگری تاثیرات دوگانه دارند. این سیاست ها با ایجاد تحولات ساختاری در ترکیب تولید و ساختار نیروی کار و با خرد کردن و ساده کردن تولید و تقسیم کار و هم چنین پیش برد سیاست خصوصی سازی ها و تهاجم به حقوق کارگری، از یک طرف زمینه های مادی مقاومت کارگران و بیش از همه کارگران صنایع بزرگ را تضعیف می کنند. ولی از طرف دیگر، با جابه جائی های وسیع جمعیتی و وارد کردن نیروهای کار روستائی و متمرکز کردن آن ها در حاشیه شهر ها و حلبی آباد ها و همینطور وارد کردن وسیع نیروی کار زنان و کودکان به بازارکار و تشدید بیکاری و شکاف روزافزون در فقر و ثروت در جامعه، نیروی قدرتمندی از قطب های انفجاری و شورشی توده های محروم در محلات زحمتکش نشین را درحمایت از مبارزات کارگری، ایجاد می کند. متحدینی از

قطب های انفجاری و شورش توده های محروم و حاشیه در محلات زحمتکش نشین را برای مبارزات کارگری، ایجاد می کند. اما سرمایه داری بهیچ وجه قادر نیست از شر قدرت نیروی جمعی طبقه کارگر خود را خلاص کند.

یکی دیگر از تحولات ناشی از جهانی سازی سرمایه داری، اهمیت یافتن بخش خدمات و ارتباطات به طور کلی و همین طور حمل و نقل به طور خاص است. حمل و نقل شهری، میان شهری، کشوری و بین المللی (هوائی و دریائی) که به شریان های اصلی اقتصاد و هم چنین نقطه ضعف آن تبدیل میشوند. این نقطه ضعف در جریان گردش سرمایه و کالا باعث میشود تا ارتباطات و کارگران شاغل در این بخش ها از تاثیرگذاری اقتصادی و اجتماعی بسیاری برخوردار شوند. شکل گیری سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان اولین اتحادیه توده ای کارگری در دوره اخیر جنبش کارگری ما بی تاثیر از این تحولات نبود. در جوامع معاصر خدمات حمل و نقل از جمله نظام حمل و نقل مسافر و کالا در سطح شهری، بین شهری و کشوری از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار شده و در حقیقت شریان حیاتی موجودیت این جوامع را تشکیل میدهد. طوری که جریان زندگی مدنی و سرمایه و حتی چرخ تولید و صنعت با فلج شدن این بخش خدماتی ممکن نیست. اعتصاب یک روزه اتوبوسرانان در تهران، کل حمل و نقل شهری را مختل کرد و تهران بزرگ را به حالت توقف درآورد. اهمیت این مساله را ما در اعتصابات اروپا و دیگر کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز شاهد بوده ایم. به عنوان نمونه، اعتصاب حمل و نقل شهری و خطوط آهن در دهسال گذشته در فرانسه نقش بسیار مهمی در مبارزه با تعرضات نئولیبرالی حکومت های دست راستی داشته است و اکنون نیز به میزان زیادی به مثابه موتور محرک جنبش های کارگری عمل می کند. نمونه دیگر اعتصاب لوکوموتیورانان آلمان بود که تحرک جدیدی در مجموعه جنبش کارگری در این کشور به وجود آورد. سایر بخشهای خدمات شهری نیز مانند آب و برق و خدمات عمومی دیگر نیز به همان سان نیز اهمیت دارند.

شکل گیری سندیکای شرکت واحد در دوره جدید و ادامه فعالیت آن علیرغم فشارها و سرکوب ها، فصل جدیدی در ایجاد تشکل های مستقل کارگری در بخش حیاتی خدمات گشود. اکنون با مبارزه کارگران هفت تپه، با تبدیل شدن خواست سندیکا به راس درخواست های آنها و توده ای شدن این درخواست ما وارد مرحله جدیدی شده ایم که در آن در یک واحد بزرگ کارخانه ای، زمینه های شکل گیری تشکل توده ای و رزمنده کارگری ظهور می کند.

### **ب، تغییر تاکتیک ها و اتحادهای جدید!**

درد و ویا سه دهه پس از اجرای این سیاست های نئولیبرالی در جهان سرمایه داری و هم چنین در کشور ما کارگران قادر می شوند به شوک ناشی از این تحولات و جابه جایی ها و بحران ها غلبه کرده و با متمرکز شدن بر نقاط ضعف آن، نیروی خود را باز یافته و در برابر تهاجم سرمایه جهانی به حقوق شان خود را تجدید سازمان دهند. تشکل ها و اتحادیه های کارگری سیاه، وابسته و سازشکار فرومی ریزند و نسل جدیدی از رهبران رزمنده و عملی کارگری در پیوند با مبارزات زنان و جوانان و بیکاران و مردم محروم در برابر تهاجم سیاست های نئولیبرالی و جهانی سازی وحشیانه سرمایه داری، تشکل های کارگری رزمنده جدیدی به وجود می آورند و یا تشکل های موجود را یکی پس از دیگری تسخیر کرده و در راستای منافع کارگران به کار بگیرند.

در کشور ما این روند، در کنار روند جهانی تلاش کارگران برای سازماندهی تشکل های رزمنده کارگری و اشکال تهاجمی مبارزه، خود را در تلاش برای منزوی کردن تشکل های وابسته به رژیم و در ایجاد تشکل های مستقل سندیکائی

و یا اتحادیه ای از جانب فعالین کارگری و سوسیالیست و هم چنین در مبارزات فراکارخانه ای کارگران و در فراتر رفتن از اشکال معمول مبارزات کارگری و تظاهرات در برابر نهادهای رژیم و ایجاد راه بندان ها و فلج کردن سیستم کنترلی رژیم و در پیوند با مبارزات توده گرسنه مردم محلات محروم نشان می دهد. اگر مبارزات کارگران در سطح کارخانه ها با بی اعتنائی سران رژیم برای از پا آوردن شان زیر فشار گرسنگی و بلا تکلیفی روبرو می شود، از این رو باید به دنبال راه هائی بود که بشود بر این تاکتیک فرسایشی غلبه کرده و رژیم را ناگزیر به روشن کردن تکلیف شان کنند. در شرائطی که سران رژیم از انجام تعهدات و وظائف شان در حوزه تولید و راه اندازی کارخانه ها و تامین اشتغال کارگران طفره می روند، مثل شرائطی که بر مبارزات کارگران کارخانه ها در بسیاری از صنایع بزرگ حاکم است، چاره جز به کارگیری اهرم های دیگری مثل ایجاد راه بندان ها برای مختل کردن سیستم توزیع و ارتباطی سرمایه و کالا و کنترل رژیم و یا حتی ایجاد خطر برای موجودیت کل نظام توسط راه بندان ها و یا شورش های توده ای شهری باقی نمی ماند. شیوه ای که حالا در بسیار از کشورهای آمریکای لاتین و همین طور اخیرا در مبارزات کارگران نساجی مصر بکار گرفته شد و حالا با سازماندهی شورش شهری مردم شوش در حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه و یا کارخانه کیان تایر ، به عنوان اولین نمونه ها شاهد آن هستیم.

ناگفته پیداست در شرائط عمومی حاکم بر مبارزات کارگری در کشور ما، نمی توان گفت که هر مبارزه کارگری برای این که به پیروزی برسد می باید به یک شورش شهرارتقا یافته و یا پشتوانه یک شورش شهری از مردم محروم را باخود داشته باشد. هر تاکتیک مبارزاتی و هم این طور تاکتیک های مبارزات کارگری تابع توازن قوا، آمادگی و آگاهی نیروها و سطح سازمانیافتگی آن ها و هم چنین ارزیابی دقیق از مجموعه شرائط مشخص است. علاوه براین، هدف از این تاکتیک همراه با وارد کردن زنان و فرزندان کارگران به مبارزه، جلب حمایت مردم زحمتکش و نیروی مبارزه جوانان و بیکاران و یا کارگران اخراجی و از بخش های مختلف در محلات کارگری، به مبارزه ای متشکل و با خواست ها و مطالبات روشنی است که اعتراض به سیاست های خانمان برانداز نئولیبرالی با دامن زدن به بیکاری و فقر و فلاکت عمومی نقطه پیوند آن ها را تشکیل می دهد.

### **ج، بعد اجتماعی جنبش اتحادیه ای!**

این نقطه پیوند و منافع مشترک به مبارزات کارگری بعد اجتماعی بخشیده و به این ترتیب صف مشترکی از زنان ، جوانان، بیکاران، حاشیه شدگان و تهیدستان شهری را شکل داده و موجب می شود که عناصر رزمنده این جنبش های اجتماعی در متن یک مبارزه توده ای برخواسته از اعماق در پیوند مشترک با جنبش کارگری قرار گیرند. زنانی که به طبقه کارگر و تهیدستان شهری تعلق دارند، جوانانی که فرزندان کارگران و تهیدستان هستند و بیکاران و حاشیه شدگانی که بخش مهمی از طبقه کارگر را تشکیل می دهند.

جنبش کارگری ما و به ویژه کارگران صنایع بزرگ، که در صف اول تاثیرات مخرب سیاست های نئولیبرالی و تاراج و خصوصی سازی ها و به همین دلیل در صف مقدم مبارزه قرار گرفته اند، بدون تکیه بر نیروی عظیم متحدان طبقاتی خود قادر به بر هم زدن تعادل منفی موجود به نفع خود نخواهند بود. اگرچه این نکته هم توجه کنیم که در کشور ما کارگران و خانواده های مهاجر بخش مهمی از ساکنان محلات تهیدست و حلبی آبادها و مجموعه رنگارنگی از ملیت های گوناگون ایران را تشکیل می دهند، پس می توان " صف مشترک" و یا " جبهه کارگری و تهیدستی" وسیع تری را از

پیوند میان مردم زحمت کش ملیتهای گوناگون در مبارزه مشترک علیه استبداد و سیاست‌های نئولیبرالی رژیم به وجود آورد. روشن است که مبارزه این بخشها و بویژه زحمتکشان محلات تهیدست، خود نیاز به سازماندهی و تشکل دارد و منظور از پیوند این دو نیرو برای مبارزه مشترک، در هم ریختن مسائل سازماندهی هر یک از آنها نیست.

میزان وابستگی زندگی و معیشت مردم محلات، شهرک‌ها و شهرهای مجاور به کارخانه و یا مجموعه‌ای از مسائل مشترک و بسیاری عوامل دیگر در شکل‌گیری چنین اتحادیه‌های موثرند. همان‌طور که می‌دانیم تظاهرات مردم شوش در حمایت از کارگران هفت تپه در واقع تظاهرات مردم زحمت‌کشی است که اکثریت آن‌ها را کارگران چهار کارخانه‌های مرتبط با هم و یا کارگران کشاورزی که در طرح کشت و صنعت هفت تپه کار می‌کنند، تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر کارگران و خانواده‌ها و مردم زحمت‌کشی که سرنوشت هر یک به نوعی به سرنوشت این طرح وابسته است. به این ترتیب با توجه به شرایط گوناگون مبارزات کارگری هیچ نوع نسخه حاضر و آماده‌ای و یا عمومی را برای آن‌ها نمی‌توان صادر کرد. کارگران نیشکر هفت تپه از تاکتیک درون و بیرون کارخانه، از تاکتیک‌های راهبندان جاده‌های مهم ارتباطی کشور تا تجمع در برابر فرمانداری و پیوستن جوانان و زحمتکشان شوش به آنها، همراه ساختن خانواده‌ها در اعتراضات، مراجعه به ادارات و ... به طور متناوب و با هوشیاری کامل استفاده کردند. در واقع تعرض‌های به موقع و عقب‌نشینی‌های به جا و انعطاف‌های تاکتیکی و به کارگیری اشکال گوناگون مبارزه و استفاده از اهرم‌ها مختلف مبارزه، یکی از شاخص‌های مهم مبارزه سازمان‌یافته و آگاهانه کارگری است. شاخصی که محور اصلی آن حفظ اتحاد و یکپارچگی صفوف نیروهای درگیر در مبارزه است.

تکوین تشکل کارگران هفت تپه و همراه با آن کارخانه‌های مجاور می‌تواند نقش بسزائی در تشکل کارگران استان خوزستان که یکی از قوی‌ترین مناطق کارگری ایران است داشته باشد. همین‌طور ایجاد اتحادها و اتحادیه‌های رشته‌ای از مجتمع‌ها و صنایع هم‌رشته و هم‌سرنوشت که کارگران آن‌ها منافع یکسانی دارند از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. همان‌طور که پس از شکل‌گیری سندیکای شرکت واحد و اولین اعتصاب اتوبوسرانان تهران جنبش کارگری ایران گام در مرحله جدیدی نهاد. بهمان سان جنبش کارگری ایران پس از اعتصابات هفت تپه وارد مرحله جدیدی از تشکلیابی و تاکتیک‌های جدیدی مبارزاتی شده و بدین ترتیب افق‌های جدیدی بر روی جنبش کارگری کشورمان گشوده شده است.

یوسف آبخون

۲۷ خرداد ۱۳۸۷-۱۶-۰۶-۲۰۰۸